

برخی سلبریتی‌ها ۲ سال بعد از ائتلاف با جریان ایران ستیز چه وضعی دارند؟

خطیبی هم به جمع افسرده‌ها پیوست



ایمان عظیمی
خبرنگار گروه فرهنگ

وقایع سال ۱۴۰۱ باعث شد برخی از هنرمندان، ورزشکاران و افراد مشهور ایران را ترک کنند و برای کار و زندگی به خارج از کشور مهاجرت کنند. آوردن قید «مهاجرت» و «کار و زندگی» در ابتدای این گزارش به آن خاطر است که این افراد، باتوجه به سوابقشان در رسانه‌ها، تیم‌های ورزشی و همین‌طور سینمای جریان اصلی ایران، چندان به منش و مرام سیاسی مشخصی پایبند نیستند و اساساً سودوزیان هر اکت و کنش را پیش از به‌فعلیت رساندن آن محاسبه می‌کنند. بنابراین نمی‌توانند مدعی شوند که برای «مردم» و درد‌هایشان دست به انتحار زده و از کشور خارج شده‌اند، چون بیان چنین حرفی هر مرغ پخته سرد و گرم چشیده‌ای را به خنده می‌اندازد.

در ادامه، برای روشن شدن مدعایم با مثال و توضیح واضحات به‌سرغ این ادعا که افرادی همچون حمید فرخ‌نژاد، اشکان خطیبی، احسان کریمی و... محض رضای خلق خدا! ایران را ترک نکرده‌اند، خواهیم رفت. البته شاید از خود پیرسید که مگر همه هنرمندان ایرانی خارج از کشور، مملکت خود را به این بهانه ترک کرده و غم غربت را به جان خریده‌اند؟ قطعاً این‌طور نیست و طبیعتاً بسیاری از هنرمندان مشهور ما برای ترک کشور دلایل موجه، شخصی و قابل احترامی داشته‌اند که حسابشان را از این افراد جدا خواهد کرد. در بررسی مسئله مهاجرت این اشخاص به‌غرب و شرق عالم باید در کنار «روندها ویزنگاهای تاریخی-سیاسی»، به علل دیگر هم توجه‌شان داد و تر و خشک را با هم نسوزاند. در این گزارش با مرآعه به تعدادی از بازیگران مهاجرت‌کرده، نگاهی هم به حال و هوای فعلی این جمع می‌اندازیم.

خطای محاسباتی حمید فرخ‌نژاد کار دستش داد

پُر واضح بود که اتفاقات سال ۱۴۰۱ باعث شد تعدادی از سلبریتی‌ها با محاسبه غلط خود عطای ماندن در ایران را به لقایش ببخشند و برای قهرمان شدن یا به مرزهای پنگه‌مدنی بگذارند. حمید فرخ‌نژاد مهم‌ترین و قابل‌بحث‌ترین سوزه در میان افراد خروج‌کرده است. او برخلاف تعداد زیادی از هم‌قطارانش - که برخی بعد و بعضی هم‌زمان با وقایع ۱۴۰۱ و پس از آن از ایران رفتند - باز بگر مهم‌شاخصی در سینمای داستان‌گویی ما بود و یکی از نزدیک‌ترین فیگورها به مفهوم «سوپرستار» در صنعت نیمه‌پند سرگرمی در ایران محسوب می‌شد. فرخ‌نژاد به قدری نفع شخصی برایش و یژه و اهمیت بود که در مصاحبه‌ای با رسانه «ئی‌وی پلاس» عنوان کرد: «برای من اهمیت ندارد که چه بر سر وضعیت ۸۰ میلیون ایرانی می‌آید، اگر بخواهد بالایی سر پسرم بیاید» (نقل به مضمون).

تصویر ذهنی مردم ایران بدون روتوش رسانه‌ها از فرخ‌نژاد نه بازی‌های او در سینما و تلویزیون است و نه موضع به‌اصطلاح سیاسی‌اش در مواجهه با نظم مستقر. او منفعت شخصی را مثل هر انسان دیگری برای خود و خانواده‌اش لحاظ می‌کند و محال ممکن است که جایی برای این مورد در تحلیل نهایی‌اش مبنی بر خروج خود و خانواده‌اش از ایران قرار نداده باشد. فرخ‌نژاد در تازه‌ترین گفت‌وگوی خود با رسانه‌های خارج‌نشین (برنامه منو تو هاب در شبکه من‌وتو)، سواى صحبت‌های مغشوش در مورد

وضعیت مملکت، با اشاره به وضعیت پرزخی فیلم سینمایی «میجر» ساخته احسان عابدی‌پور، برای مرتبه چندم به منافع شخصی‌اش ارجاع داد و تلوینحا گفت که سرنوشت فیلم مورد نظر چندان برایش اهمیت ندارد. فرخ‌نژاد تهیه‌کننده «میجر» است و طبعاً باید پیش از پشت کردن به همه چیز و خروج از ایران، فکری به حال دسترنج همکارانش می‌کرد. اما برای او و همفکرانش در «صنعت مخالفت»، هر یه-فایده انجام هر کُتش و واکنش پیش از هر چیز محاسبه می‌شود. از این‌ها گذشته، حال و هوای این روزهای فرخ‌نژاد، برخلاف تصویری که رسانه جریان اصلی اپوزیسیون از او ساخته، شباهتی به ایام بهاره خروجش از ایران ندارد. کافی است مصاحبه اخیر این شخص با رسانه ورشکسته و در حال احتضار «منوتو» را مرور کنید؛ او علی‌رغم اینکه چندان از کرده خود پشیمان نیست، ولی وقتی مصاحبه‌کننده محتوای سؤال‌ها را به سمت مهم‌ترین نقطه عطف زندگی کاری و شخصی‌اش یعنی مهاجرت از ایران می‌برد، رنگ و رویش را می‌بازد و به این نکته اذعان می‌کند که اگر باز هم به گذشته برگردد، همین فیلم‌ها و نقش‌ها را از نو بازی می‌کند و ابایی از انتخاب‌هایش در سینمای تجاری ایران ندارد. پس چطور زندگی کردن اهمیت به مراتب بیشتری از حرف و حدیث مردم دارد و فرخ‌نژاد، سواى آنچه‌ای که از خود ساخته، بیش از هرکس دیگری به این واقعیت که جیب معاش از هر چیز ارزشمندتر است اشراف دارد.

شوخی شوخی جدی شد

برزو ارجمند و احسان کریمی یک سال قبل از وقوع اتفاقات ۱۴۰۱ به بهانه اجرای نمایش «پازل» از ایران خارج شدند، اما همزمانی حادثه فروریختن ساختمان متروپل با شرکت

پروژه بردار ورستگار شو

گشیشته فراوانی در میان بازیگران فارسی‌زبان خارج از کشور یک مورد استثنایی است. بازی این بازیگر شاید نسبت به دیگر ایرانیان چندان در مرتبه بالاتری قرار نگرفته باشد، اما آداب‌دانی او نسبت به سبک زندگی غربی و حل شدنش در فرهنگ کشور مقصد و همچنین سن و سال مناسب است که موقعیت فراوانی را نسبت به دیگران در مرتبه ویژه‌ای قرار می‌دهد. این بازیگر پس از حضور در فیلم سینمایی «یک مُشت دروغ» و بازی در کنار «لئوناردو دی‌کاپریو» و همین‌طور کار با کارگردانانی همچون «ریدلی اسکات»، «جیم جارموش» و... در پروژه‌های سیاسی متعددی هم به ابفای نقش پرداخت و چهره مهمی در انتقال پیام‌های سیاسی به اپوزیسیون بود.

به آب و آتش زن، فرش قرمزی برایت پهن نمی‌شود

تحویل نگرفته شدن بازی‌اش در فیلم سینمایی «سینما نیمکت»، کفه فعالیت‌های هنری خود را به سمت اجرای تئاتر و حضور در برنامه‌های سرگرم‌کننده تلویزیونی سنگین‌تر کرد. با وجود این، خطیبی در هنگامه اتفاقات مربوط به سال ۱۴۰۱ از ایران - طبق گفته خودش در مصاحبه با «ایران اینترنشنال» - فرار کرد و بچه‌های گروه تئاترش در کشور را تنها گذاشت.

آن‌ها در مراسم عروسی «ساسی مانکن» باعث خشم کاربران اینستاگرام از آن‌ها شد و این دورا هدف انتقادات نُشد و تیز قرار داد.

جذابیت‌های خاص را هم به این موارد اضافه کنید تا متوجه شوید که «برنارد لوی» علاقه‌مند به فرایند‌های تجزیه‌طلبی در خاورمیانه و نماد «سازمان اطلاعات فرانسه» صرفاً برای یک شام دوستانه با بازیگر به‌اصطلاح توانمند ما قرار شام نمی‌گذارد. فراوانی هم‌آکتون در سینمای اروپا و هالیوود در حال فعالیت است و با وجود آنکه از تولد در جایی همچون ایران دل خوشی ندارد، اما راه به راه ایرانی بودنش را به رخ مخاطب بی‌حافظه مجازی می‌کشاند تا کماکان او را جلدی بگیرند. فراوانی در حال پیمودن راهی است که کمتر بازیگر ایرانی مهاجرت‌کرده از کشور توانسته آن را دنبال کند ولی با وجود این، او هم چندان در فیلم‌ها و سریال‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای ندارد.

در اجرا به گرد پای رامبد جوان هم نمی‌رسم

محسن کیایی، بازیگر و مجری برنامه «هزار و یک» در گفت‌وگو با شرق در باره مقایسه او با رامبد جوان گفت: «خودم طرفدار برنامه «خندوانه» بودم. هم خود کانسپت برنامه و هم اجرای رامبد را دوست داشتم. اینکه با خندوانه مقایسه می‌شویم اصلاً من را ناراحت نمی‌کند. من و همه اعضای گروه داریم تلاش می‌کنیم برنامه خوبی بسازیم حالا اگر تا قسمت دهم و بیستم یا حتی اگر تا آخر هم بگویند شبیه خندوانه است اشکالی ندارد. اینکه شبیه یک برنامه خوب باشی اصلاً بد نیست. خندوانه برنامه خیلی خوبی بود و ما شبیه خندوانه‌ایم». کیایی همچنین در ادامه با انتقاد از اینکه برنامه «هزار و یک» را با خندوانه مقایسه می‌کنند گفت: «سخن‌اش این است که قسمت یک ما را مقایسه می‌کنند با مثلاً قسمت نهصد و سی و خرده‌ای خندوانه. محسن کیایی را که دارد برای اولین بار اجرای یک برنامه تاکشوی این مدلی شبانه را تجربه می‌کند، مقایسه می‌کند با رامبدی که خیلی برنامه اجرا کرده. من حالا حالا‌ها به گرد پای رامبد هم نمی‌رسم. رامبد متخصص این کار است. من آن‌موقع‌ها کیف می‌کردم از اجرای رامبد. بس که رها، باحال و آققدر خوب اجرا می‌کرد. رامبد عزیز من است و من خیلی دوستش دارم.»



انتشار رمانی از زندگی سردار سلیمانی به قلم نویسنده‌ای روسی

رمان «شغال‌ها حریف شیر نمی‌شوند»، اثری داستانی برگرفته از فرازهای زندگی سردار شهید حاج قاسم سلیمانی به قلم آگ روی، نویسنده روس است که در بازار کتاب روسیه عرضه شد. این پروژه محصول دو سال تلاش برای نگارش و انتشار بوده و در اوایل سال جاری میلادی توسط انتشارات «وچه» (Veche) به چاپ رسیده و حالا قرار است رونمایی رسمی آن در خانه کتاب مسکو برگزار شود. آگ روی که با نگارش بیش از ۹۰ رمان برای بزرگسالان، یکی از پرتیراژترین نویسندگان روسیه در سال‌های اخیر به‌شمار می‌رود، در این کتاب ۲۸۵ صفحه‌ای، روایتی داستانی و گیرا از دوران نوجوانی تا لحظه شهادت سردار سلیمانی را برای خواننده روسی به‌تصویر کشیده است. این نویسنده، هدف اصلی خود از نگارش این رمان را ارائه تصویری واقعی از شخصیت سردار سلیمانی که به‌گفته او برای بسیاری در روسیه کمتر شناخته شده بود و همچنین مقابله با روایت‌های نادرست و تحریف‌شده‌ای عنوان کرده که توسط برخی رسانه‌های غربی منتشر می‌شود. آگ روی تأکید دارد این رمان، داستان زندگی یکی از انسان‌های درخشانی است که برای سربلندی کشور و آرمان‌هایش تا پای جان ایستادگی کرد و کوشیده است این روایت را به سبکی قابل فهم برای نسل جوان ارائه دهد.



دوشنبه ۱۸ فروردین ۱۴۰۴



شماره ۴۳۸۴



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE